

## آیت الهی که عاقبت به خیر نشد<sup>۱</sup>

آذر سالگرد فوت شخصیتی است که نقش موثری در انقلاب اسلامی داشته تا جایی که امام راحل او را حاصل عمر خود می خواند، شخصیتی که به مرور زمان و پس از وقوع انقلاب با اقدامات نابخردانه و ساده لوحانه خود زمینه ایجاد تشتت در سطح جامعه و در میان نخبگان را فراهم آورد که نهایتاً منتهی به خروج وی از مسیر همسنگران انقلابی اش شد.

آیت الله حسینعلی منتظری بیش از دو دهه پس از عزل از قائم مقامی رهبری زیست نمود و در ۲۹ آذر ۱۳۸۸ دیده از جهان فرو بست. در خلال این دو دهه ایشان به مسیر سابق خود آنگونه که امام خمینی فرموده بود (نامه تاریخی امام: شما در اکثر نامه‌ها و صحبت‌ها و موضعگیری‌هایتان نشان دادید که معتقدید لیبرال‌ها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند) و با صراحتی به مراتب بیشتر ادامه داد و موجب رنجش دوست داران انقلاب اسلامی شد.

اکنون و با گذشت پنج سال از زمان درگذشت ایشان، بی بی سی فارسی رسانه دستگاه سلطنتی بریتانیا در جدیدترین اقدامش به انتشار فیلمی منتشر نشده از ایشان پرداخته است. منتظری در جای جای این مصاحبه با حب و بغض همیشگی اش به بسیاری از اقدامات انقلاب اسلامی و شخص امام تاخته و تلاش نموده خویشتن را از برخی سیاست‌ها مبرا نماید.

در این نوشتار بر آنیم به گونه ای مختصر به بیان برخی اتهامات وی پرداخته و آن را واکاوی نماییم.

### ۱ اتهام تاثیر پذیری امام از اطرافیان

مرحوم منتظری در طول دو دهه پس از عزل از قائم مقامی رهبری همواره اتهام اثرپذیری امام از اطرافیان را مطرح نموده است که معمولاً نوک پیکان حملات ایشان مرحوم حاج احمد آقای خمینی بوده است. وی در خاطراتش بارها به این مسئله اشاره می نماید، به‌طور نمونه وی پس از ارسال نامه معروف امام چنین می گوید: «...این نشان می داد که آقایان مدت‌ها پیش از نامه ۶/۱ و ۸/۱ که در فروردین ماه ۶۸ اتفاق افتاد تصمیم خود را گرفته بودند و در تلاش بودند که زمینه ذهنی برای امام هم فراهم کنند؛ حتی تحرکات آنها قبل از جریانات سال ۶۸ علنی شده بود، از جمله در همان ایام بود (۲۹/۱۱/۶۷) که بعضی از دوستان قدیمی ما یعنی آقایان مهدی کربوبی و امام جمارانی و زیارتی را هم تحریک کردند که آن نامه تند و سراپا کذب و تهمت را خطاب به اینجانب بنویسند؛ و چنانکه شنیدم بعضی از افراد منسوب به بیت اینجانب را هم که با احمد آقا رفیق و مرتبط بودند به ملاقات مرحوم امام برده بودند تا مطالب دروغی را علیه من و بیت من به امام گزارش بدهند؛ و شنیده شد که بعضی از آقایان به عنوان اعتراض علیه من عمامه خود را نزد امام به زمین زده و با حالت گریه و انابه معظم له را تحت تاثیر قرار داده اند.» (۱)

<sup>۱</sup> این مطلب نسخه‌ی pdf مطلبی است که در سایت قاصدنوز در نشانی [yon.ir/8YJo](http://yon.ir/8YJo) در دسترس است.



وی در جایی دیگر و در مسیر ممانعت از محاکمه مهدی هاشمی می گوید: «همان طور که گفتم ظاهراً در ذهن آقایان این بود که پس از امام کارها به من محول می گردد و باید دفتر و جریان فکری من در اختیار آقایان باشد و تا سید هادی و سید مهدی هستند این موفقیت برای آنها حاصل نمی شود، می خواستند این دونفر را به هر شکل شده کنار بزنند و بیت مرا هم مانند بیت امام در اختیار بگیرند، و وقتی از در اختیار گرفتن بیت من و تاثیر گذاری در شخص من مایوس شدند به فکر برکناری من افتادند و شروع کردند به جوسازی علیه من نزد امام؛ و شایعه قرار گرفتن بیت من در اختیار منافقین و باوراندن این موضوع به حضرت امام نیز دروغ شاختاری بود که بر همین اساس جعل شده بود» (۲)

در این مصاحبه نیز در چند مورد به گونه ای مستقیم یا غیر مستقیم امام راحل را متهم به اثرپذیری از اطرافیان نموده است، وی در مورد چرایی عدم پایان جنگ پس از فتح خرمشهر چنین می گوید: «آن وقتی هم که یک سری از سران از جمله (یاسر) عرفات آمدند و آنها هم بر مساله خاتمه جنگ اصرار داشتند، حالا ایشان یا نپذیرفت یا دیگران نگذاشتند که بپذیرند. من نفهمیدم که چه شد. وقتی که جواب منفی به آنها داده شد من خیلی متاثر شدم.» یا می گوید «اصلاً من ذاتاً صریح الهجه بودم. لذا با مرحوم آیت الله خمینی هم خیلی صریح صحبت می کردم. حالا پیش ایشان بسا چیزهایی دیگران گفتند و بالاخره مسائل به اینجا کشیده شده. من می خواستم یک جوری بشود که به اصلاح بگذرد، که نشد.» (۳)



فارغ از چرایی عدم خاتمه جنگ پس از فتح خرمشهر که خود مقوله ی گسترده ای است که خارج از نوشتار فوق است، دوست و دشمن انقلاب اسلامی معترف به ابهت و عدم تاثیر پذیری شخصیت امام خمینی (ره) هستند. عتاب های گسترده ایشان به شخصیت های بزرگ و مسئولین و برخورد ایشان با اعضای خانواده خود گواه قاطعیت امام در اتخاذ تصمیم ها می باشد. شخص منتظری نیز در لا به لای مصاحبه اش به این امر اذعان می کند «آیت الله خمینی آدمی بود که خیلی ابهت داشت. اشخاص کمتر جرات می کردند با ایشان حرف بزنند».(۴)

حضرت امام درباره فرزند مرحوم خویش و برخی اتهامات در این زمینه چنین می گوید: «من خدای قاهر حاضر منتقم را شاهد می گیرم که احمد از آن روزی که در کمک اینجانب در بیرون مشغول اداره امور من بوده تا الان که این ورقه- وصیت نامه- را می نویسم قدمی یا قلمی خلاف گفتار و نوشتار من برنداشته و با وسواس عجیب در کلیه گفتارهای من یا نوشته های من سعی نموده که حتی یک کلمه، بلکه گاهی یک حرف را که با نظر او محتاج به اصلاح است بدون اذن من تصرف نکند».(۵)

در رابطه با اظهارات منتظری و اتهامات وی بایستی گفت، قاطبه بزرگان انقلاب بر خلاف تصور ایشان بر این باورند که شخص منتظری بسیار متأثر از عناصر نفوذی در بیت خود بود، امری که در نامه امام نیز بدان اشاره شده است. آیت الله مشکینی رئیس فقید مجلس خبرگان رهبری در این باره می گوید: «... جساراً معروض می دارد نظر اغلب دوستان برای روز مبادا شما یید، لکن با یک نگرانی خاص از ناحیه بیت و بعضی حواشی آن جناب که متأسفانه به قول آن مرحوم مراجع قبلی پس از مرجعیت گرفتار می شدند و شما قبل از آن، من در این باره لامثال آمرکم کلی می گویم پیوسته از دوستان صمیمی تان اظهار ناراحتی می شنوم حتی در مجلس نیز مطرح شد و بی

سر و صدا گذشت، و قبلاً هم پس از سمینار ائمه جمعه برخی به حقیر می گفتند به حضورتان گفته شود و اینان از دوستان مخلص آن جنابند و شما را برای اسلام می دانند و راضی نیستند شخصی که از آن عموم است، در قبضه‌ی خصوص باشد. (۶)



حاج احمد آقای خمینی در رنجامه ای که پس از رحلت حضرت امام منتشر نمودند درباره چگونگی رخدادهای منتهی به عزل آقای منتظری چنین می گویند: «از آنجا که در متن وقایع انقلاب خصوصاً در جزء جزء ماجرای حضرتعالی و برخورد گرم و صمیمانه حضرت امام با شما و تلاش معظم له برای نجاتتان از چنگال توطئه گران و نفوذیها بودم فکر کردم اگر حقایق را بازگو نکنم به اسلام و انقلاب و امام و مردم خیانت کرده ام. چه بسا نسل معاصر و آیندگان براساس ناآگاهی تصور کنند که جنابعالی را یک شبه و بدون مقدمه کنار گذاشته اند در حالیکه به هیچ وجه این گونه نبوده است.» (۷)

ایشان می فرمایند: «من به آقای هادی هاشمی در یکی از ملاقاتهای چند ساعته ام گفتم که آقای منتظری مانند ظرف شیشه ای می ماند و امام ظرف فلزیند، اگر به هم بخورند ایشان خرد می شود. به ایشان بگویند امام نشان داده است که در مقابل مصلحت نظام و اسلام از هیچ چیزی نمی گذرند. ولی متأسفانه بعداً که از ایشان پرسیدم که به آقای منتظری گفتی؟ گفت نه مطلب تند بود. به آقا هادی گفتم به آقای منتظری بگویند این حرف درستی نیست که یا تمام حرفهای مرا باید رادیوتلوویزیون بگذارد و یا من فریاد می کشم که سانسور است.» (۸)

## ۲ تخطئه ولایت مطلقه فقیه

حسینعلی منتظری تا پیش از خروج از ریل انقلاب که با انتشار نامه تاریخی امام مبنی بر عدم صلاحیت وی آغاز شد، پیش و پس از انقلاب خود را از بنیانگذاران تئوری ولایت فقیه معرفی کرده و مدعی است که اثر گذارترین فرد در گنجاندن این اصل در قانون اساسی بوده است. وی در مصاحبه فوق‌الذکر نیز بدان اشاره کرده و در ادامه به محکومیت ولایت مطلقه فقیه پرداخته است. منتظری می‌گوید: «من یادم هست که ولایت فقیه را در مجلس من و مرحوم دکتر بهشتی و آقای (ابوالحسن) بنی‌صدر تعقیب می‌کردیم. در آن قانون اساسی ای که آقای حبیبی اینها تنظیم کرده بودند ولایت فقیه نبود. و ما ولایت فقیه را آنجا اجمالا عنوان کردیم. اما به این جوری که آقایان ولایت مطلقه را درست کرده اند ما قبول نداشتیم. اما اصل ولایت فقیه، چون آیت‌الله خمینی هم خودش درسش را گفته بود، می‌دانستیم که با آن موافق است. لذا در مجلس خبرگان مطرح کردیم و نوشتیم.» (۹)



وی پیشتر و در مقاطعی مکرر به انتقاد از اصل ولایت مطلقه فقیه پرداخته و در دیدار با اعضای نهضت آزادی این چنین گفته است: «در زمان بازنگری قانون اساسی، به جهت ایراداتی که به افزایش اختیارات ولی فقیه و شمول مطلق این اختیارات داشته است، با آن مخالفت کرده و باور دارد که حتی پیامبر اکرم (ص) نیز از حق ولایت مطلقه برخوردار نبوده است و ولایت مطلقه فقیه را از جمله مصادیق بارز شرک می‌داند.» (۱۰)

آیت الله منتظری در سال ۱۳۵۸ به عنوان نماینده منتخب مردم تهران در مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی بودند. ایشان در آن زمان همانند دو استادشان آیت الله بروجردی(ره) و آیت الله امام خمینی(ره) به ولایت انتصابی عامه فقها قائل بودند و با پیگیری و پافشاری ایشان و شمار دیگری از بزرگان انقلاب نظریه ولایت فقیه به متن قانون اساسی راه یافت. با این وجود و در اواسط دهه شصت منتظری دچار دگرگونی عظیمی شد که این فرآیند پرشتاب تا پایان عمرش ادامه یافت. وی با رد نظریه نصب در ولایت فقیه به یک باره به نظریه انتخاب روی آورد. بر این اساس می بایست که انتخاب فقیه جامع الشرائط توسط مردم (بطور مستقیم یا غیرمستقیم) صورت گیرد.

تغییر رویه منتظری محدود به ولایت فقیه نماند و به امور متعدد اجتماعی و سیاسی سرایت پیدا کرد تا جایی که حتی مصافحه با زنان مسلمان و غیر مسلمان در صورتی که پرهیز از آن بی احترامی به آنها باشد مجاز بر شمرده شده.

با تداوم خانه نشینی منتظری و رحلت حضرت امام بر شدت و حدت انتقادات منتظری نسبت به نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه افزوده شد، به ویژه آنکه در ارزیابی مجدد قانون اساسی بر اساس مشی امام به عنوان تئورسین ولایت فقیه، عنوان ولایت مطلقه فقیه جایگزین ولایت فقیه گردید.

امام خمینی(ره) در زمان حیات مبارکشان در پاسخی به آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت در باب ولایت مطلقه فقیه، حکومت اسلامی و ضرورت آن چنین می گویند: «...حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله است، یکی از احکام اولیه است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است...»(۱۱)

نکته سوال برانگیز آنکه چگونه مرحوم منتظری در زمان تثبیت اصل ولایت فقیه در قانون اساسی خود را پیش گام این موضوع نشان داده و بر اساس آنکه خود را شاگرد و مقلد امام دانسته و بر موافقت وی اطمینان داشته به تایید ولایت فقیه در مجلس خبرگان قانون اساسی پای فشرده ( چنانکه که بعدها در نامه های ارسالی به امام اینگونه بیان می کند که بنده نظر شما را شرعا بر نظر خود مقدم می دارم)، حال که نظر تکمیلی امام در قانون اساسی ذکر شده ایشان به مخالفت با آن پرداخته و حتی عنوان اولیه را نیز زیر سوال برده اند. آیا این غیر از عنادی است که پس از عزل ایشان از قائم مقامی رهبری از سوی منتظری در برابر نظام صورت پذیرفته است؟

۳ تداوم کینه جویی از رهبر انقلاب



آیت الله منتظری در مصاحبه ذکر شده به بررسی تحولات پیش از وقوع انقلاب اسلامی و سفرهای خود به نوفل لوشاتو اشاره کرده و به نحوه شکلگیری شورای انقلاب اشاره نموده است. منتظری اظهار می دارد که امام راحل در انتخاب اعضای شورا از وی مشورت گرفته و با پیشنهاد او بوده که آیت الله خامنه ای به عنوان عضو شورای انقلاب تعیین گردیده است. وی با لحنی تمسخر آمیز بیان می دارد که امام فرمودند که ایشان (آیت الله خامنه ای) که در مشهد هستند، و من گفتم خوب می گوئیم که وقت انقلاب بیایند تهران و عضو شورای انقلاب بشوند! (۱۲)

اظهارات جناب منتظری در حالی است که ایده تشکیل شورای انقلاب در دی ماه ۵۷ و پس از اوج گیری اعتراض های مردمی به رژیم ستم شاهی از سوی شهید مطهری مطرح شده و پس از جلب رضایت امام، ایشان به همراه شماری دیگر از بزرگان انقلاب به تعیین اعضا پرداخته اند. آیت الله هاشمی رفسنجانی در این باره بیان داشته که «...آقای مطهری در مراجعت از سفر پاریس، دستور رهبر عظیم الشأن انقلاب را مبنی بر تشکیل شورای انقلاب آوردند. حضرت امام آقایان شهید مطهری، شهید بهشتی و موسوی اردبیلی و شهید باهنر و اینجانب هاشمی رفسنجانی را به عنوان هسته اول شورای انقلاب تعیین و اجازه داده بودند که افراد دیگر با اتفاق نظر این پنج نفر اضافه شوند...» (۱۳)



از گفته های فوق به وضوح پیداست که حتی در صورت صحت ارائه این پیشنهاد به امام (عضویت مقام معظم رهبری در شورای انقلاب) از سوی آیت الله منتظری، ایشان نقش بارزی در انتخاب فوق نداشته و یادآوری این واقعه تاریخی آن هم بگونه ای تمسخرآمیز صرفاً از روی کبر و غرور ایشان می باشد، امری که پیشتر و در سخنان ایشان مکرر قابل مشاهده است. همچنان که در سخنرانی ۱۳ رجب سال ۷۶ خود با تکبر هرچه تمامتر بر ولی فقیه زمان و پیروان راه ولایت تاخته و خود را بنیانگذار ولایت فقیه نامیده است. وی در آن سخنان می گوید: «... اصلاً ولایت فقیه را ما گفتیم ما علم کردیم، ما کتاب درباره اش نوشتیم حالا ما شدید ضد ولایت فقیه؟! یک عده بچه که اصلاً وقتی ما بودیم و این کارها را می گردیم اصلاً نطفه شان هم منعقد نشده بود حالا را می افتند: ضد ولایت فقیه...» (۱۴)

ادعاهای مرحوم منتظری در باب احیای ولایت و پیشگامی ایشان در این امر در حالی است که به فرموده امام راحل عملکرد ایشان در قریب به ده ساله اول انقلاب نه تنها در راستای اسلام و مسلمین نبوده بلکه در جهت عکس آن بوده است، آنجا که ایشان می فرماید: «نامه ها و سخنرانی های منافقین که به وسیله شما از رسانه های گروهی به مردم می رسید؛ ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان -روحي له الفدا- و خون های پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید؛ برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند.» (۱۵)



ماهه ۲  
 حضرت آیت الله العظمی مظلوم العالی  
 ۱۴۹۲  
 سر از نقد مهم و حکمت بعرض عا ابرسانند  
 عند زماوی از جو انهای سلمان و تمدنی گرفتارند و عند از  
 آنان در معرض خطر اهدام قرار گرفته اند نسبت آنان نسبت  
 بقا بر اسلام و الهده عات و وسیع و تمس آنان بر احکام و معتقدات  
 مذهبی معروف و مورد توجه است اما یان و روحانی و اجماع است  
 و بعضی از مراجع و جمعی از علماء طلبه و اعدا برای تکلیف آنان کرده  
 و غیره که نوشته شد که لازم است از طرف حضرتعالی نزدیک  
 و تقویت و حفظ دما و آنان ضروری میسر شود این بعضی در سر انظار  
 ضرورت دارد چون مخالفی می کنند آنان را ممنوع از  
 کنند البته کیفیت آن مستوفی حضرتعالی است در همان از حضرتعالی  
 علمس دعا و ضروری باکم والدم علیکم در قرا و بر کلام ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۳۶ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ - ۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۰ - ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۲۷ - ۷۲۸ - ۷۲۹ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۳۲ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۷۳۹ - ۷۴۰ - ۷۴۱ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۵ - ۷۴۶ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۵۶ - ۷۵۷ - ۷۵۸ - ۷۵۹ - ۷۶۰ - ۷۶۱ - ۷۶۲ - ۷۶۳ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۷۳ - ۷۷۴ - ۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۸۲ - ۷۸۳ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۱ - ۸۱۲ - ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۱۵ - ۸۱۶ - ۸۱۷ - ۸۱۸ - ۸۱۹ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۲ - ۸۳۳ - ۸۳۴ - ۸۳۵ - ۸۳۶ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۴۰ - ۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۳ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۴۷ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۰ - ۸۵۱ - ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۸ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۸۶ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۳ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۹۴۴ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۳ - ۹۶۴ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱ - ۹۷۲ - ۹۷۳ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۷۶ - ۹۷۷ - ۹۷۸ - ۹۷۹ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۸۲ - ۹۸۳ - ۹۸۴ - ۹۸۵ - ۹۸۶ - ۹۸۷ - ۹۸۸ - ۹۸۹ - ۹۹۰ - ۹۹۱ - ۹۹۲ - ۹۹۳ - ۹۹۴ - ۹۹۵ - ۹۹۶ - ۹۹۷ - ۹۹۸ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰

نامه مخفیانه منتظری به امام خمینی جهت حمایت از رهبران مجاهدین، ۱۳۵۲ شمسی

#### ۴ توهین به امام از زبان دیگران

نگاهی به اظهارات و نوشته های آیت الله منتظری به ویژه خاطرات ایشان در طول سال های گذشته نشان از ارائه سخنانی فاقد سند، منبع و ارجاع به اشخاص فوت شده است، که این امر بر ابهام و عدم صحت اظهارات ایشان می افزاید. همچنین **ایشان مهمترین نقل قول ها و یا تحلیل ها** که منجر به تخریب وجهه یک نفر یا یک جریان می شود را به عباراتی نظیر همان زمان شنیدم که، یک آقای نزد من آمد و گفت، ارجاع می دهند که از نظر شرعی و تاریخی قابل اعتماد و استناد نیست. متأسفانه بسیاری از این نقل قول ها شخصیت های کلیدی انقلاب به ویژه امام را در بر گرفته که گاها با اتهام و توهین همراه بوده است.

حاج احمد خمینی در رنجامه خود به این امر پرداخته و می نویسد: «...این افراد (دوستان امام) بعد از امام که با شما دوست نمی شوند، بلکه حرارت پیدا می کنند و نقاط ضعف شما را بزرگ می کنند و علناً با شما دشمنی خواهند کرد آن وقت است که می گویند امام با لیبرالها بد بود آقای منتظری خوب، امام با منافقین بد بود آقای منتظری خوب امام بچه های اطلاعات را که جانشان را کف دستشان گذاشته اند سربازان امام زمان (علیه السلام) می دانست، آقای منتظری آنها را از ساواکیهای شاه بدتر می دانست و مدرکشان نوشته های جنابعالی خواهد بود، چرا که امروز اطرافیان شما خواسته اند تا شما ژست آزادی خواهی بگیرید.» (۱۶)

خاطرات منتظری سرشار از تهمت های گسترده ای است که به نظام و ارکان آن حمله نموده که اشاره به آنها خارج از حوصله این نوشتار است، امری که امام راحل پیشتر آن را پیش بینی نموده و هشدار می دهند که شما مشغول به نوشتن چیزهایی می شوید که آخرتتان را خرابتر می کند. (۱۷) بطور نمونه منتظری در جایی از خاطراتش می گویند: «از آقای شنیدم که از قول احمدآقا می گفت: آقای منتظری باید از آقای... یاد بگیرد. آقای... می آید دست امام را می بوسد و عقب عقب برمی گردد. ولی آقای منتظری می آید با امام یک و دو می کند. (۱۸)

در مصاحبه منتشر شده وی در بی بی سی نیز در مواردی می توان این توهین ها را مشاهده نمود. منتظری در خلال این مصاحبه بارها از کلمه آیت الله خمینی بجای امام استفاده نمود که به وضوح بیانگر تغییر دیدگاه وی نسبت به شخصیتی است که منتظری زمانی خود را شاگرد و مقلد ایشان می دانست.

آیت الله منتظری در ابتدای سخنانش به روی کار آمدن بختیار در ایران اشاره کرده و به حواشی دیدار احتمالی بختیار با امام پرداخته است، منتظری می گوید: «... دکتر (شاپور) بختیار را شاه معین کرده بود و خودش رفته بود. یک شب ما رفتیم در جلسه ای در تهران که ده پانزده نفر از آقایان بودند، از جمله مرحوم دکتر بهشتی که تقریباً کارگردان آن جلسه بودند و دکتر یزدی هم در پاریس بود. بعد من دیدم که آقای دکتر بهشتی زمزمه می کنند که بله بنا شده است که آقای بختیار بروند در پاریس با امام صحبت کنند و مشکلات حل بشود. در آن مجلس من گفتم که آقای دکتر بختیار اگر با سمت نخست وزیری برود پاریس آقای خمینی ایشان را نمی پذیرد و باید اول از نخست وزیری شاه استعفا بدهد تا ایشان او را بپذیرد. یادم هست مرحوم دکتر بهشتی به من گفت شاه بخشیده، شیخ علی خان نمی بخشه؟ (۱۹)



وی سپس امام را متهم به آن می نماید که آیت الله خمینی خواستار دیوار کشی در سطح کشور بوده و موافق ارتباط گیری با همسایگان و سایر ملت ها و دولت ها نبوده اند، امری که در تعارض بنیادین با افکار امام خمینی (ره) مبنی بر ارتباط با همه ملت ها و دولت های مستضعف بجز رژیم صهیونیستی و آمریکا دارد.

## ۵ القای حمایت آمریکا از انقلاب ایران

طرح موضوع حمایت آمریکا یا هریک از کشورهای غربی از فرایندی که منجر به تحقق انقلاب اسلامی در ایران شد، به قدری دور از تصور و غیر عقلانی است که تصور این انقلاب و آرمان هایش خود موجب تصدیق مخالفت غرب با این انقلاب می باشد. قاطبه مخالفین جمهوری اسلامی نیز بدین امر اعتراف داشته و سیاست های اتخاذ شده از سوی جمهوری اسلامی در خلال بیش از سه دهه استقرار خود به وضوح نشان از مشی ضد استکباری آن دارد.

منتظری در این مصاحبه به گونه ای وانمود کرده که شخص جیمی کارتر شرایط را برای وقوع انقلاب در ایران مهیا نموده است! وی ضمن اتخاذ مشی خنثی در قبال حمله دانشجویان دانشجویان به لانه جاسوسی بیان داشته که « یک وقت یادم هست که این گروهانگیری که طول کشیده بود، رفتم خدمت مرحوم آیت الله خمینی و به ایشان عرض کردم آقا، این اشغال سفارت طول کشیده و این جور هم می ماند و آنها هم شاخ و شانه می کشند و بجاست تا مادامی که (جیمی) کارتر سر کار هست این امتیاز را ایران به کارتر بدهد برای اینکه پیروزی انقلاب ما تقریباً به واسطه این بود که جو را کارتر مساعد کرد. این امتیاز را، به عقیده من، جایش هست که دولت ایران به کارتر بدهد و گروهانها را آزاد کند.» (۲۰)

اگرچه منتظری خود در ادامه از زبان مبارک امام چنین می گوید «ایشان فرمودند که این غیب هایی که تو می گویی که کارتر بهتر از (رونالد) ریگان هست، ما این غیب ها را بلد نیستیم.» (۲۱)



ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران قبل از انقلاب اسلامی در کتاب خود تحت عنوان «ماموریت در ایران» به وضوح به دلایل انتخاب خود برای این سمت اشاره کرده و می نویسد: «...دولت کارتر به دنبال کسی می گشت که بتواند با حکومت استبدادی و خودکامه شاه، کار کند.» (۲۲). نقل است که در روزهای پایانی انقلاب و زمانی که از وزارت خارجه آمریکا با وی تماس می گیرند تا جویای تحولات گردند، شخص سولیوان، گوشی تلفن را به سمت پنجره اتاقش گرفته تا صدای جمعیت مردم تظاهر کننده به آمریکا رسد و بیان می دارد که هر آنچه از دست ما می آمد انجام دادیم اما کار از کار گذشته است.

آمریکا پیشتر و در کودتای ۲۸ مرداد نشان داده که در صورت فراهم بودن شرایط به قدرت گیری خاندان پهلوی کمک خواهد نمود.

## ۶ خط بطلان بر آرمان های انقلاب

منتظری در خلال این مصاحبه و اظهاراتش در طول سال های متمادی همواره خود را از بنیان انقلاب و از پایه گذاران اصل ولایت فقیه دانسته است، فارغ از زحمات وی در طول سال های مبارزه و تبعید در دوره شاهنشاهی و حمایت از آرمان اسلامی امام و امت، از زمان خلع ایشان از قائم مقامی رهبری به ویژه پس از رحلت حضرت امام (ره) ایشان تلاش نموده ضمن انتقادهای گسترده و بی محابا به عملکرد انقلاب و الصاق برخی اتهامات، نقش خود را در وقوع این به اصطلاح اتهامات تبرئه ساخته و اینگونه وانمود سازد که انقلاب

و اهدافش به بیراهه رفته و یا اساسا برخی تلاش های صورت پذیرفته در ابتدای انقلاب غیر عقلانی، پرشتاب و بدور از منطق بوده است.

وی در این مصاحبه اظهار داشته است: «مساله جنگ واقعه این است که آن اول که انقلاب شد، ما شعارهای تند هم می دادیم. صدور انقلاب و امروز ایران و فردا عراق و پس فردا کجا و ... این شعارهای تند سبب شد، که کشورهای مجاور وحشت بکنند.» (۲۳)

منتظری در این بخش از سخنان خود به گونه ای ناجوانمردانه مسبب جنگ را نه خواسته بیگانگان و مطامع صدام حسین بلکه شعارهای تند انقلابیون دانسته است. در حالی که صدها سند معتبر داخلی و بین المللی حکایت از آن دارد که صدام حسین با وقوع انقلاب در ایران و ایجاد برخی نابسامانی های نشأت گرفته از وقوع انقلاب، فرصت را برای جاه طلبی خویش مهیا دیده و در صدد انضمام برخی از خاک میهن به عراق بر آمده است.



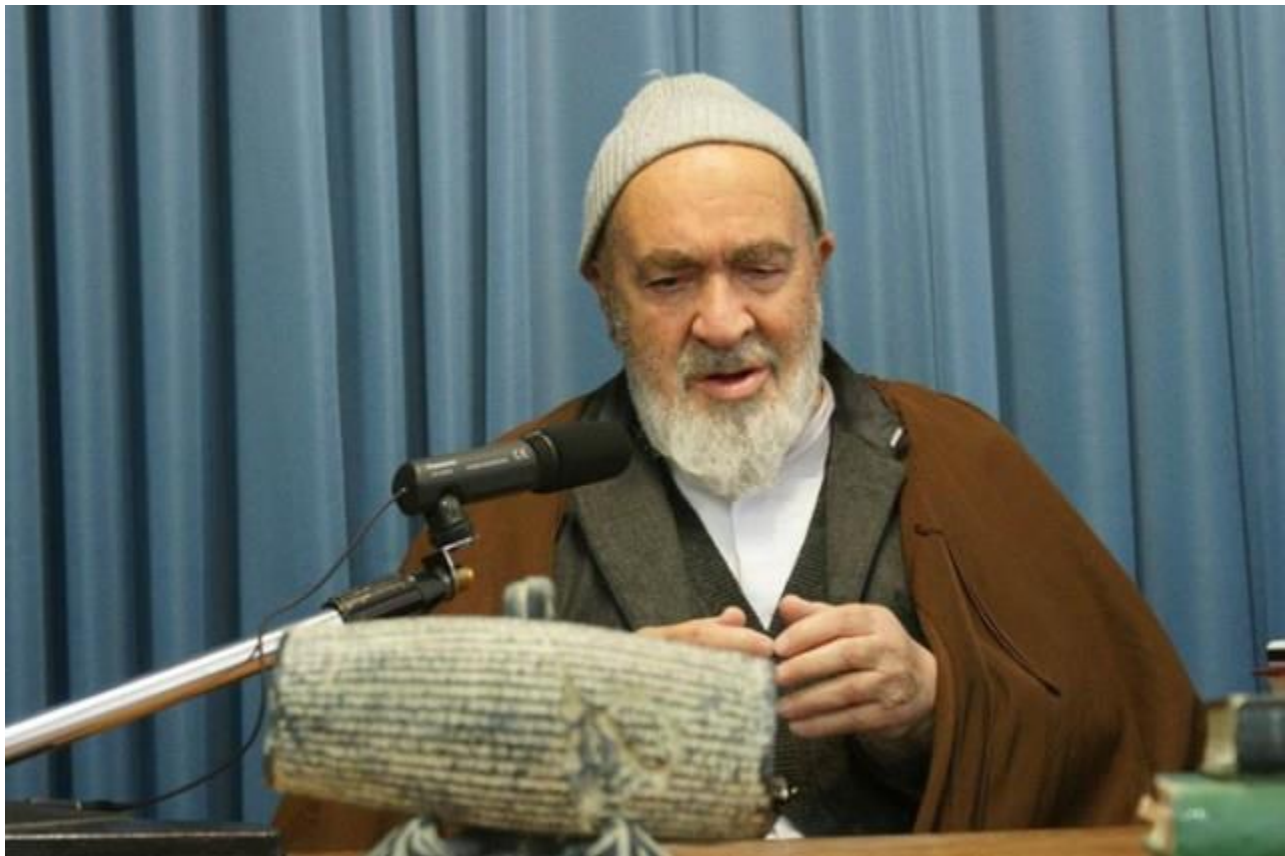
در باب جاه طلبی صدام حسین و رویاپردازی های وی همین بس که امام راحل در همان اوان جنگ به کشورهای عربی هشدار داد که صدام یک دیوانه زنجیری است که پس از ما به شما حمله خواهد کرد. امری که پس از پایان جنگ به وضوح آشکار شد و این جانی (به تعبیر امام) (۲۴) به کویت حمله نمود. امام راحل بارها و بارها در رابطه با مسئله جنگ بر خلاف اظهارات مرحوم منتظری بیان داشته که ما با هیچ کشوری سر جنگ نداریم. ایشان می فرمایند: «جرم ما این بود که می خواستیم آزاد باشیم، می خواهیم خودمان زندگی خودمان را اداره کنیم و می خواهیم که در تحت قیمومت هیچ دولتی نباشیم. برای این، همه کارها را دارند انجام می دهند. از آن طرف آن همه تبلیغات، از آن طرف این جنگی را که به ما تحمیل کردند هر یک از شما آقایان که در اینجا آن وقتی که اول جنگ بود شما بودید اینجا، دیدید که عراق حمله کرد به ایران از هوا، از دریا، از زمین. و عراق گرفت مقدار زیادی از خوزستان را و عراق به واسطه تحریکاتی که از طرف امریکا شد به او، این عمل جنایتکار را انجام داد، و بعد هم که ایران برخاست از جا و جوانهای ما با قدرت ایمان

او را از مملکت خودشان بیرون کردند، ... آقا می‌گویند که صلح بکنیم. ما از اول، جنگ با هیچ کس نداشتیم...» (۲۵) و در ادامه می‌فرماید: «اگر صدام به ما حمله نکرده بود، ما کاری به عراق نداشتیم. عراق برادر ماست. امروز هم ملت عراق برادر ما هستند. با ملت عراق ما مخالفتی نداریم. اوست که دارد ما را می‌ترساند که به شهرهای شما (حمله می‌کنیم).» (۲۶)

در رابطه با صدور انقلاب نیز بایستی ذکر کند، که هدف از این امر اشاعه فرهنگی افکار انقلابی و اسلامی ملت ایران به ملت‌های مستضعف جهان اسلام بوده و آنگونه که امام راحل بیان داشته اند، جمهوری اسلامی هیچگاه در پی هجوم به هیچ کشوری نبوده اند. مخالفت منتظری در این زمینه در حالی است که وی خود در ابتدای انقلاب از سردمداران این امر محسوب می‌شده است. آیت الله هاشمی در خاطرات خود به نقل از کریستین ساینس مانیفور می‌نویسد: «... منتظری همچنین موافق صدور انقلاب اسلامی است اما این یک هدف رادیکال است که سران پراگماتیک [عمل‌گرا] مانند رفسنجانی از آن صرف نظر کرده‌اند.» (۲۷)

## ۷ بی‌اطلاعی مرحوم منتظری از تحولات!

مرحوم منتظری برای چندمین بار در این مصاحبه (مانند مصاحبه‌های پیشین) نیز به بی‌اطلاعی خود از تحولات کلیدی کشور اعتراف کرد. بی‌اطلاعی که از دو حالت خارج نیست، یا ایشان در پی تبرئه خود از وقوع چنین حوادثی هستند یا واقعا بی‌اطلاع بوده اند. در حالت اول ایشان آنچنان که امام راحل در نامه تاریخی شان بیان داشته اند (از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرال‌ها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید) (۲۸) از مدار حق خارج گشته و در مسیر منافع لیبرال‌ها و معاندین جمهوری اسلامی گام بر داشته و در صحت حالت دوم مهری تأییدی است بر عدم تدبیر و کاردانی منتظری کما اینکه در این زمینه نیز امام تیزبین انقلاب به ایشان هشدار داده اند. (و الله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی در آن وقت شما را ساده‌لوح می‌دانستم که مدیر و مدبر نبودید ولی شخصی بودید تحصیل کرده که مفید برای حوزه‌های علمیه بودید.) (۲۹)



مواردی که در ذیل می آید بخشی از اظهارات منتشر شده منتظری در این مصاحبه است:

«...آن وقت پیام قذافی را به او دادم. گفتم قذافی به من پیام داده بود که بیاید یک کاری بکنید که این سه چهار تا کشور اسلامی مثل لیبی و سوریه و الجزایر و اینها واسطه بشوند. ریش و قیچی را دست سازمان ملل ندهید. بلکه این کشورهای اسلامی بیایند و واسطه بشوند و به خاطر بها دادن به اینها بپذیریم. این را به آقای موسوی اردبیلی گفتم. البته ایشان گفتند در شورایی که در تهران داشتیم گفتند بیاییم و با شما صحبت کنیم. بعد که من این را گفتم او گفت خیلی پیشنهاد خوبی است. بعدش ایشان رفت. بعدش دیدیم صحبت است که قطعنامه را بپذیرند. تلفن کردم به آقای هاشمی (رفسنجانی). گفتم پس این پیام من به موسوی اردبیلی چه شد؟ گفت دیگر از این چیزها گذشته. من هم دیگر نفهمیدم چه شد...».

«...این جریان مک فارلین را به ما نگفته بودند. من اطلاع نداشتم. یکی از خویشان ما که در تهران بود آمد و به من گفت که همچین چیزی هست...»

«...راجع به اشغال سفارت نه کسی با من مشورت کرد و نه من اطلاع داشتم که آقای (محمد) موسوی خوینی و دانشجویها این کار را کرده اند...»

«...اصلا من بی اطلاع بودم. در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتم. البته آن وقت نه مخالفت کردم و نه موافقت...» (۳۰)



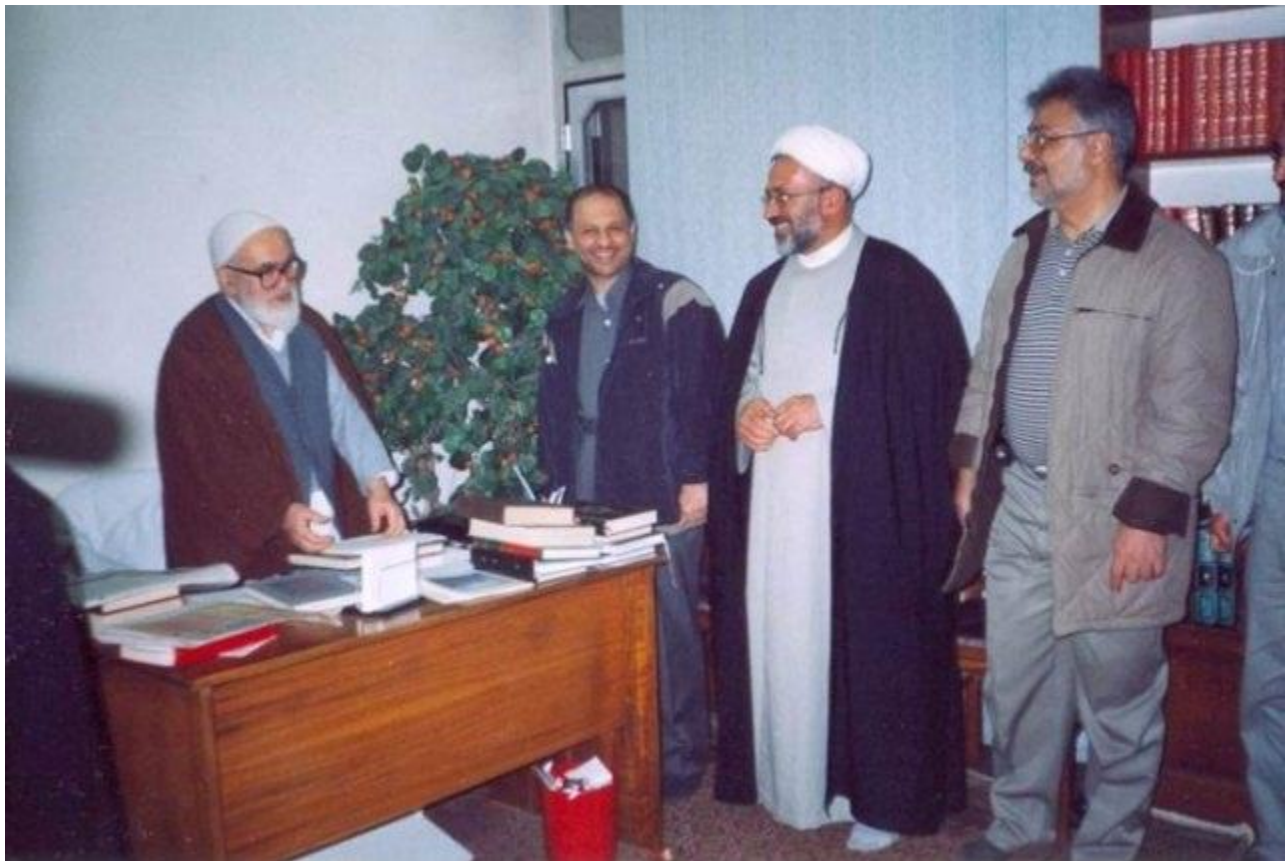
## ۸ نتیجه گیری

این روزها در حالی وارد پنجمین سال فوت مرحوم آیت الله منتظری می شویم که مصاحبه ها، خاطرات و کتب ایشان همچنان در برخی محافل موجب ایجاد تشویش و اتهام بر علیه انقلاب اسلامی می شود. خاطراتی که امام راحل با پیشبینی آن به مرحوم منتظری هشدار داده بود که شما مشغول به نوشتن چیزهایی می شوید که آخرتتان را خرابتر می کند.

تاریخ اسلام پر است از خیانت بزرگان به اسلام است را شاید بتوان یکی از مهمترین سخنان بنیانگذار انقلاب اسلامی دانست که بر مبنای آن چه بسیار بزرگانی بودند که با مطامع دنیایی نظیر کسب قدرت، ثروت و... به گذشته ی پرافتخار خویش پشت نموده و در



مسیر کامیابی دنیوی گام نهداند. آیت‌الله منتظری در طول دو دهه پایانی عمرش ملاقات‌ها و دیدارهای بسیاری را با معاندینی برقرار کرد که همگی جزو پیشتازان رویارویی با آرمان انقلابی ملت ایران بودند و بارها ضمن تایید آنها مورد تشویقشان نیز واقع شد که کسب جایزه کانون مدعی حقوق بشر که ریاست آن بر عهده شیرین عبادی می‌باشد، صدور فتوا در زمینه مصافحه با زنان غیر مسلمان و زنان مسلمان، حمایت از فتنه‌گران ۸۸، حمایت تلویحی از بهائیان، حمله به ولایت مطلقه فقیه و... از جمله اقدامات نامناسب ایشان بوده که بفرموده امام خمینی(ره) مصداق دیکته شده سخنان منافقین و لیبرال‌ها می‌باشد.



## ۹ منابع:

۱. خاطرات حسینعلی منتظری، ج ۱، ص ۵۸۹.
۲. همان، ص ۶۱۴
۳. بی‌بی‌سی فارسی، از حبس تا حصر؛ متن کامل گفت‌وگو با آیت‌الله منتظری، ۲۷ آذر ۹۳.
۴. همان
۵. صحیفه امام(ره) جلد ۲۰ ص ۴۴۲

آیت اللهی که عاقبت به خیر نشد.

۶. خاطرات منتظری، ج ۲، ۹۲۳-۹۲۴

۷. رنجنامه حجت الاسلام احمد خمینی خطاب به آیت الله منتظری

۸. همان

۹. بی بی سی فارسی، از حبس تا حصر؛ متن کامل گفت‌وگو با آیت‌الله منتظری، ۲۷ آذر ۹۳

۱۰. ولایت مطلقه فقیه شرک است، سایت روزآنلاین

۱۱. صحیفه امام ج ۲۰، ص ۱۷۰

۱۲. بی بی سی فارسی، از حبس تا حصر؛ متن کامل گفت‌وگو با آیت‌الله منتظری، ۲۷ آذر ۹۳

۱۳. صورت مذاکرات شورای انقلاب، مقدمه به قلم اکبر هاشمی رفسنجانی، ج ۱.

۱۴. سخنرانی آیت الله منتظری در ۱۳ رجب سال ۱۳۷۶

۱۵. نامه به آقای منتظری درباره عدم صلاحیت برای رهبری نظام جمهوری اسلامی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۰.

۱۶. رنجنامه حجت الاسلام احمد خمینی خطاب به آیت الله منتظری

۱۷. نامه به آقای منتظری، پیشین

۱۸. خاطرات منتظری ص ۴۸۶

۱۹. بی بی سی فارسی، از حبس تا حصر؛ متن کامل گفت‌وگو با آیت‌الله منتظری، ۲۷ آذر ۹۳

۲۰. همان

۲۱. همان

۲۲. پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران، چرا سفیر آمریکا در ایران شدم؟

۲۳. بی بی سی فارسی، از حبس تا حصر؛ متن کامل گفت‌وگو با آیت‌الله منتظری، ۲۷ آذر ۹۳

۲۴. صحیفه امام ج ۱۸، ص ۳۲۳.

۲۵. همان

۲۶. همان

آیت اللهی که عاقبت به خیر نشد.

۲۷. خاطرات سال ۶۷ آیت الله هاشمی «پایان دفاع، آغاز بازسازی»، دفتر نشر معارف انقلاب، خاطره روز ۱۷ دی سال ۶۷.

۲۸. نامه امام به آقای منتظری، پیشین.

۲۹. همان

۳۰. بی بی سی فارسی، از حبس تا حصر؛ متن کامل گفت‌وگو با آیت‌الله منتظری، ۲۷ آذر ۹۳

فرهنگ نیوز